

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل
۲۹ سپتمبر ۲۰۲۱

ترفند ریاکارانه و اغواگرانه جدید طالب!

(۱)

سه شنبه ۰۶ میزان ۱۴۰۰ - کابل: در یک بیانیۀ وزارت عدلیۀ حاکمیت طالب چنین ابلاغ شده است:

«امارت اسلامی قانون اساسی دوران محمد ظاهر پادشاه پیشین را برای دورۀ موقت بدون آن تعداد موادش که خلاف شریعت (فقه) و اصول امارت اسلامی باشد، نافذ می‌نماید. به همین ترتیب به قوانین و اسناد بین‌المللی که خلاف شریعت و اصول امارت اسلامی نباشد احترام می‌گذارند.»

از آن جایی که این اعلام طالبان در داخل افغانستان به خصوص بین اقشاری که یا ریشه در بقایای باند پرچم و خلق دارند و در همان زمان "ببرک کارمل" آن قانون و شخص "ظاهرشاه" را مترقی ترین قانون و شاه در شرق معرفی نموده بود و یا هم چون این قلم گذشته از این که سن و سال شان بدانها امکان نداده تا آن مجموعه نامتجانس را در عمل ارزیابی نمایند و از طرف دیگر در جریان ۴ دهۀ اخیر آنقدر بی قانونی و تخطی از قانون زیر نام قانون دیده اند، که بر مبنای ضرب المثل "کفش کهنه در بیابان نعمت است"، این کفش کهنه را نیز کمتر از کفش نایکی و یا ادیداس نمی دانند، لازم دانستم تا در یادداشت امروز مکثی کوتاهی در زمینه نمایم، بحث تفصیلی در مورد را می گذارم به زمان دیگری که فرصت و امکانات بیشتر در اختیارم قرار گیرد.

۱- متن اعلامیۀ وزارت عدلیۀ دستگاه عدالت کش طالب مصداق کامل ضرب المثل "با یکدست می دهد و با دست دیگر پس می گیرد" می باشد. یعنی وقتی طالب از اول اعلام نمی دارد که کدام مواد و کدام بندهای آن قانون "خلاف شریعت(فقه) و اصول امارت اسلامی" می باشند، علی رغم این که آن قانون به وسیلۀ اشخاص معتقد به اسلام مرکب از روحانیت سنتی و فارغ التحصیلان "جامعۀ الازهر مصر" در مطابقت کامل با دیانت اسلام تدوین شده بود، این امکان را برای طالب و این تهدید را برای مردم همیشه باز می گذارد که طالب و رژیم طالبی بتواند مطابق میل خودش آن قانون را تفسیر، تأیید و یا رد نموده، آنچه را خود می خواهد به زور برچه و تازیانه بر مردم اعمال بدارد.

۲- به نظر من آنچه این قانون را علی رغم خلأ ها و کمبودها و نا خوانی اش با شرایط امروز، مورد علاقه و دلچسپی طالب و حاکمیتش قرار داده، بیشتر از آن که مواد لاستیکی آن باشد، فضائی بود که آن قانون در چنین فضائی تدوین و تشابه همان فضاء با اوضاع سیاسی کنونی کشور می باشد.

با مراجعه به اوراق تاریخ می دانیم:

* - اوضاع جهانی در نیمه اول دهه ۶۰ قرن گذشته یعنی ۱۹۶۴ میلادی برابر با ۱۳۴۳ هجری شمسی سالی که آن قانون تسوید و تصویب و رسمیت یافت، زمانی بود که جهان به دو قطب "شرق و غرب" و دو پیمان "ناتو و وارسا" تقسیم شده جنگ سرد به چنان حدتی رسیده بود که قریب بود یک سال قبل از آن به دلیل استقرار راکت های روسی در کوبا، جنگ اتومی بین اتحاد شوروی متوفا و امریکا، آغاز بیابد.

* - در چنان شرایطی که از یک سو غرب به چیزی کمتر از بیطرفی کامل قناعت نمی ورزید و از جانب دیگر افغانستان تحت قیادت سردار "محمد داوود" به حیث صدراعظم چهاراسبه در مسیر "راه رشد غیر سرمایه داری و تقویت سکتور دولتی" پیشنهادی خروشچف جولان داشت و غرب اعطای تمام کمکهای بلاعوض و یا قرضه هایش را به آوردن دموکراسی و به زعم خودشان حاکمیت قانون نموده بود، شاه هیچ راهی جهت جذب کمکهای جهانی برای ادامه سلطنتش به غیر از آوردن دموکراسی تاجدار و تدوین قانون اساسی جدید نداشت.

* - مشکل سلطنت با جهان غرب و حتا کشور های موسوم به اسلامی که تازه از برکت فروش نفت، دست شان به دهان شان رسیده می توانستند با اجازه اربابان امپریالیست شان اینطرف و آنطرف مقداری پول کمک نمایند، تنها مسأله پیروی از اقتصاد راه رشد غیر سرمایه داری نبود، بلکه حاکمیت ۳۴ ساله خاندان نادر غدار، جبر، ظلم، زندان و اعدام هائی که انجام می دادند باعث شده بود تا سردمداران غرب را وادار سازد تا از شاه بخواهند که به علاوه اتخاذ یک موضع بیطرفانه بین دو پیمان، از حدت و شدت مظالم خانوادگی نیز کم نموده، به شهروندان افغانستان ارزش و اعتبار شهروندی قابل شده، بیش از آن، شهروندان را اتباع بی حقوق و در حد برده های بی زبان قلمداد ننماید.

هموطنان گرامی!

در چنین فضائیت که سلطنت وادار می گردد در مقابل خواست های غرب تمکین نموده، جهت کسب مقداری پول چه به صورت کمکهای بلاعوض و چه هم به صورت قرضه، قانون اساسی سال ۱۳۴۳ را تصویب و بدان وسیله "دموکراسی تاجدارش" را اعلام بدارد.

ادامه دارد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جز لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!